۵۱-۶۶

امکان‌سنجی «حق بر آموزش» به‌منزلهٔ مبنایی برای مسئولیت کیفری*

دکتر سعید قماشی[۱] رقیه صادقی‌رام[۲]

چکیده: انسان موجودی اجتماعی است و تداوم این زندگی جمعی جز با وضع مقررات الزام‌آور از سوی دولت امکان‌پذیر نیســـت. قوانین کیفری با جرم‌انگاری رفتارهای مغایر هنجار از ارزشهای اجتماعی حمایت می‌کنند. عدم رعایت قوانین کیفری، همراه با مجازات خواهد بود که شدیدترین ضمانت اجرای قابل اعمال است. از آنجا که حق و تکلیف اصولاً لازم و ملزوم یکدیگرند، الزام به رعایت مقررات، می‌بایست با حقوقی برای اعضای جامعه همراه باشد. تکلیف به رعایت مقررات قانونی از سوی دولت، بدون جامعه‌پذیری، آگاهی از مقررات و احترام به حقوق دیگران، تکلیفی یک‌جانبه خواهد بود. یکی از حقوق انسانی که مبنای مسئولیت کیفری بوده و نقشی اساسی در توانمندسازی انسان، آگاهی نسبت به حقوق و تکالیف، جامعه‌پذیری، مدارا و رواداری دارد، آموزش اســـت. هدف اصلی این پژوهش، بررسی این مسأله است که حق بر آموزش به‌عنوان یک حق اساسی، چه تأثیری بر تضمین مسئولیت کیفری متوازن دارد و آیا نیستی یا کاستی آن می‌تواند در ایجاد مسئولیت کیفری یا استحقاق تحمل مجازات مؤثر باشد؟ این پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی، با بهره‌گیری از کتابها، مقالات، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی دربارهٔ حق بر آموزش، به روش استدلالی و تحلیلی- توصیفی انجام شده و پژوهشی است کاربردی که می‌تواند راهگشای قانونگذار در توجه به حق بر آموزش در مسئولیت کیفری باشد. یافته‌ها بیانگر این اســـت که گرچه این حق در قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته اما در قوانین کیفری ایران، به تأثیر آن به‌منزلهٔ اساس مسئولیت کیفری بی‌توجهی شده و در آن هیچ دفاعی با عنوان دفاع نیستی یا کاستی حق بر آموزش پیش‌بینی نشده است.

کلید واژگان: حق بر آموزش، مسئولیت کیفری، آگاهی از قانون، جامعه‌پذیری، عامل شناختی

☑ تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۳۰ ☑ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۹

* *این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری نویسنده دوم است.*

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. ..... Ghomashi@kashanu.ac.ir

۲. **نویسنده مسئول:** دانش‌آموختهٔ دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. ..... roqayesadeqi@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

مقدمه

آموزش، حق فرهنگی و از نسل دوم حقوق بشر[1] است که ویژگی مثبت آن، دولتها را افزون بر تأمین ایـــن حق، ملزم به پیش‌بینی اقدامات قانونی برای پیشـــگیری از نقض آن می‌کند (ناروســـن[2]، ۲۰۰۱). حق بر آموزش امتیازی اســـت که قانون، توانایی مطالبه و اختیار برخـــورداری از آن را با هدف افزایش آگاهی، کسب تخصص، آشنایی با حقوق و تکالیف، جامعه‌پذیری، صلح، ایجاد حس مدارا و رواداری و ... به انســـان داده است. نیستی یا کاستی آموزش، سبب تربیت افرادی می‌شود که نه‌تنها در کودکی، بلکه در بزرگســـالی نیز از نظر آگاهـــی، جامعه‌پذیری و اصول شـــناختی دچار نقص‌انـــد. بزهکاری اطفال، که برگرفته از مسائل زیستی و تربیتی یا کنجکاوی مرحلهٔ گذار از کودکی به بزرگسالی یا ناشی از طرد اجتماعی اســـت، به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمســـتقیم با آموزش پیوند دارد و زمینهٔ گرایشهای مجرمانه در بزرگسالی را فراهم می‌آورد. بدین‌ترتیب، کودکان بزهکار یا به‌دلیل نبود آموزش و مهارتهای اجتماعی مدنـــی نشـــده‌اند، یا در دوران گذار، مورد کنتـــرل قرار نگرفته‌اند یا موفق به کســـب جایگاه اجتماعی، تحصیلات و شغل نشده‌اند (نجفی‌ابرندآبادی،۱۳۹۷).

مسئولیت کیفری، پیش‌شرط مجازات و ســـرزنش‌پذیری، پیش‌شرط مسئولیت است و این آگاهی اســـت که انسان را سرزنش‌پذیر می‌کند. تحقق مســـئولیت کیفری، از یک‌سو، مشروط به وجود تقصیر اســـت که با آگاهی نســـبت به ماهیت و پیامدهای رفتار، تحقق می‌یابد و از سوی دیگر، منوط به وجود اهلیت کیفری است که با قدرت اراده و انتخاب آدمی به‌وجود می‌آید. آموزش، با افزایش آگاهی، قدرت تعقل، اراده و گزینش را برای انسان فراهم می‌آورد. به این‌ترتیب، وجود حق بر آموزش به‌منزلهٔ یک حق انسانی، در ایجاد تکلیف برای انسان نقشی اساسی دارد و یکی از عوامل ایجاد توازن میان حق و تکلیف اســـت که در مادهٔ ۲۹ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشـــر[3] (۱۹۴۸) نیز مورد پذیرش قرار گرفته است[4]. «توازن از یک‌سو تضمین مسئولیت کیفری بزهکار به‌سبب جرم ارتکابی و از سوی دیگر تضمین حقوق انسانی اوست» (هوگن[5]، ۲۰۰۷ : ۱۵). به‌این‌ترتیب، حق بر آموزش، پیش‌شرط تحقق‌پذیری مسئولیت کیفری است و می‌بایست در قوانین کیفری موردتوجه بیشتری قرار گیرد و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری، آشکارا پذیرفته شـــود و نیستی یا کاســـتی آن در حکم دفاعی برای از بین رفتن مسئولیت یا کاهش مجازات

۱. پیش از سال ۱۹۴۵، اصولاً حقوق بین‌الملل، با نحوهٔ رفتار دولت با افراد داخل مرزهای خود کاری نداشت. حقوق نسل دوم، بیانگر این اصل است که مفهوم حق، تنها دربردارنده آزادیهای مدنی و سیاسی نیست، بلکه سویهٔ اجتماعی زندگی انسان، او را ناگزیر از برخورداری از دیگر حقوق انسانی، همچون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌کند. تمایز میان حقوق نسل اول و نسل دوم از ناسازگاری ایدئولوژیک میان غرب و شرق به‌وجود آمد. حق منفی ریشه در عقاید لیبرال دارد. بر این اساس، دولت در راستای دستیابی به کرامت انسانی، حق مداخله در حقوق و آزادیهای سیاسی را ندارد. حق مثبت ریشه در عقاید سوسیالیستی دارد و هدف از آن فراهم کردن و توزیع مناسب امکانات و ارزشها میان انسانهاست. این حقوق، شامل حق کار، حق آموزش، حق بهداشت، تشکیل اتحادیه‌ها و ... است (ر.ک. : کریون، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۴ و برلین، ۱۳۸۰: ۲۵۰-۲۵۴).

2. Narveson

3. Universal Declaration of Human Rights

۴. «هرکس فقط در مقابل آن اجتماعی وظیفه دارد که در آن، رشد آزادانه و همه‌جانبهٔ او را امکان‌پذیر می‌کند... .»

5. Hogan

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

مطرح شود. لیکن، در مقررات کیفری ایران، صراحتاً اشاره‌ای به تأثیر نیستی یا کاستی آموزش، در رفع مسئولیت کیفری یا تخفیف مجازات نشده است. از این‌رو، بررسی تأثیر این حق در مسئولیت کیفری و بهره‌گیری از آن در تبیین مسئولیت کیفری بایسته است.

کامکار (۱۳۹۱)، در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «جرم‌انگاری نقض حق بر آموزش در تعامل حقوق بشر و حقوق کیفری»، در پی پاسخ به این پرسش‌ها بوده که آیا حمایت کیفری از حق بر آموزش محدود به اطفال است و حقوق کیفری ایران در این مورد، تا چه حد با معیارهای بین‌المللی مطابقت دارد. نجفی‌ابرندآبادی (۱۳۸۸)، در سخنرانی خود با عنوان «حق بر آموزش»، به بیان برخی جلوه‌های حمایت کیفری از این حق در قوانین ایران پرداخته است. نیازپور (۱۳۹۱) در مقالهٔ خود با عنوان «حق برخورداری از آموزش و پرورش: از حقوق بشر تا پیشگیری از بزهکاری»، بر این باور است که تبیین جنبه‌های این حق، نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت انسانها، تقویت خودکنترلی و پیشگیری از جرم دارد. در این پژوهش، حق بر آموزش به‌منزلهٔ ابزاری برای تحقق‌پذیری مسئولیت کیفری و دستیابی به توازن حق و تکلیف مورد توجه قرار گرفته و تأثیر نیستی یا کاستی آن به‌مثابه یکی از عوامل مانع یا تخفیف مجازات بررسی شده است که فقدان آن، می‌تواند مسئولیت کیفری را خدشه‌دار کند و استحقاق تحمل مجازات را از بین ببرد. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در مرحلهٔ قانونگذاری یا در مرحلهٔ رسیدگی قضایی مورد استفاده قرار داد. این مقاله ذیل دو عنوان شروط تحقق‌پذیری مسئولیت کیفری در پرتو حق بر آموزش و جلوه‌های تأثیر حق بر آموزش بر مسئولیت کیفری در حقوق ایران بررسی می‌شود تا مشخص شود که کاستی یا نیستی این حق چه تأثیری بر مسئولیت کیفری و مجازات می‌گذارد.

◉ شروط تحقق‌پذیری مسئولیت کیفری در پرتو حق بر آموزش

در گسترهٔ حقوق کیفری، مرتکب زمانی قابل مجازات است که فعل، شایستگی انتساب به وی را داشته باشد. وجود اراده در ارتکاب جرم، جنبهٔ مادی و آگاهی نسبت به جرم، جنبهٔ معنوی انتساب را شکل می‌دهد (فرج‌الهی، ۱۳۹۸). با وجود ارتکاب جرم، عواملی رابطهٔ انتساب و سرزنش‌پذیری مرتکب را از بین می‌برند. این عوامل یا درک و ارادهٔ انسان را کاملاً از بین می‌برند یا بدون از بین بردن درک و اراده، بر آگاهی انسان تأثیر می‌گذارند و به‌صورت نسبی مسئولیت کیفری را خدشه‌دار می‌کنند (نوربها، ۱۳۹۷). براساس قوانین داخلی و بین‌المللی، حق بر آموزش دارای اهدافی چون قانونمداری، عزت‌نفس، بردباری، پایبندی به اخلاق، جامعه‌پذیری، احترام به حقوق بشر و رشد شخصیت انسانی است. این اهداف، سه ضلع مثلث مسئولیت کیفری متوازن را شکل می‌دهند. ضلع اول، آگاهی از حقوق بشر و آشنایی با حقوق خود و دیگران است که در چارچوب آگاهی از قوانین بررسی می‌شود. ضلع دوم، جامعه‌پذیری و توانمندسازی برای رهایی از بیسوادی، فقر و ... از راه آموزش فنی‌وحرفه‌ای و آموزشهای علمی و دانشگاهی و فرهنگ‌پذیری است و در چارچوب جامعه‌پذیری بررسی می‌شود و ضلع سوم، توسعهٔ بردباری، رواداری، مدارا و برابری است که در چارچوب عنصر شناختی بررسی می‌شود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

۱. آگاهی از قانون

براساس یک فرض قانونی، چنین پنداشته می‌شود که افراد از قوانین سرزمین خود آگاه‌اند. «فرض قانونی[1] به معنای از پیش‌انگاشـــتن و ساختن امری توسط قانونگذار است» (خالقی و درودی، ۱۳۹۴: ۶۴). طبیعت امر، نداشـــتن آگاهی از قانون است، ولی قانونگذار، برای رعایت مصلحت جامعه، آگاهی مردم را به قانون فرض کرده است (زراعت، ۱۳۹۱). براساس مواد ۱ و ۲ قانون مدنی، بهره‌گیری از فرض آگاهی از قانون، نیازمند تصویب قانون در مرجع صلاحیتدار و انتشار آن است. از آنجا که قانون مجازات، جرم‌انگار و کیفرگذار است و در حقوق و آزادیهای مردم دخالت می‌کند، می‌بایست کیفی باشد، یعنی دارای ویژگیهایی باشـــد که به کرامت و حقوق انسانی لطمه نزند. بدین‌معنا که افزون بر رعایت اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، می‌بایست دارای ویژگیهایی چون شفافیت، دائمی‌بودن، قابلیت پیش‌بینی و قابلیت دسترسی باشد. (ساقیان و موسوی، ۱۳۹۶ و نجفی‌ابرندآبادی، ۱۳۹۲ب). «این اصل از مجازات افرادی که به‌دلیل ابهام یا در دسترس نبودن قوانین به آن آگاه نیستند، جلوگیری می‌کند» (شریفان و رنجبران، ۲۰۱۲: ۳۵۹ و ۳۶۰). امروزه مســـالۀ ناآگاهی به قانون با توجیهاتی گوناگون پذیرفته شده است،[2] اما چهار دیدگاه برای پذیرش جهل به قانون ارائه شده است. دیدگاه محافظه‌کار که جهل حکمی را مـــورد پذیرش قرار نمی‌دهد. دیدگاه برابـــری که جهل حکمی را همانند جهل موضوعی می‌پذیرد. دیدگاه لیبرال که جهل حکمی را همراه با دلایل منطقی مورد پذیرش قرار می‌دهد و دیدگاه میانه‌رو که جهل حکمی را همراه با دلایل منطقی در جرایم ساختگی می‌پذیرد (سیمونز[3]، ۲۰۰۹).

براســـاس مادۀ ۱۵۵ قانون مجازات اســـلامی، جهل حکمی، تابع مدل لیبرال بوده و درصورت قصوری بودن، در همۀ جرایم طبیعی و قراردادی، مورد پذیرش است. فرض آگاهی از قانون، ریشه در قاعدۀ عقلی «وجوب تعلم احکام» دارد. این قاعده، وظیفۀ قانونگذار را وضع قوانین و آگاه کردن مردم به آن و وظیفۀ مردم را شناسایی قوانین می‌داند (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۶۴)؛[4] با این وجود، مجازات، نه برای ترک یادگیری بلکه برای ترک وظیفه‌ای است که به‌دلیل ترک یادگیری به‌وجود آمده است. غفلت در شـــناخت قوانین، سرزنش‌آمیز است (میس و لارکین[5]، ۲۰۱۲)، اما براساس قانون مجازات اســـلامی، این غفلت، فرد را جز در صورت نقض قانون، شایستۀ مجازات نمی‌کند. «سرزنش‌پذیری به‌دلیل نادیده گرفتن وظیفۀ آگاهی از قوانین، با سرزنش‌پذیری به‌دلیل نقض قوانین کیفری یکسان نیست و این دو، با هم متفاوت‌اند» (هوساک[6]، ۲۰۱۰ : ۱۳۸).

1. Legal fiction

۲. برخی معیارهای پذیرش جهل به قانون، بر پایۀ طبیعی یا قراردادی بـودن جرم، برخی بر پایۀ خارجی یا سکنه بودن بـزهکار و بـرخی بر پایۀ مادر یا فرعی بودن قوانین است (سلطانی، ۱۳۹۶).

3. Simons

۴. دربارۀ مجازات خودداری از یادگیری احکام شرعی، سه دیدگاه مطرح شده است. براساس دیدگاه اول، خودداری از یادگیری دستورات شرعی، با کیفر همراه خواهد بود. نظر دیگر، خودداری از یادگیری را تنها در صورتی موجب کیفر می‌داند که منجر به ترک واقع گردد و نظر سوم، کیفر را برای ترک واقع می‌داند نه برای خودداری از یادگیری (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۶۴).

5. Meese & Larkin

6. Husak

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

۲. جامعه‌پذیری

حق بر آموزش، اساس جامعه‌پذیری انسان است. «جامعه‌پذیری به فرایند انتقال ارزشها و فرهنگ اجتماعی به افراد» (عضدانلو، ۱۳۹۵: ۲۱۶) و آموزش خواندن و نوشتن، شیوهٔ زندگی در اجتماع، ارتباط با دیگران، تأمین نیازهای انسانی و آمادگی عملکرد در حکم یک عضو اجتماع (کوهن[1]، ۱۳۹۶) گفته می‌شود. انتقال ارزشها و آماده کردن شخص برای زندگی در اجتماع، دو بعد جامعه‌پذیری به‌شمار می‌آیند. هر جامعه‌ای، باید افراد را با فرهنگ خود همنوا و در آنان حس وابستگی ایجاد کند. این فرایند، به‌شکل مستقیم، از طریق خانواده و مدرسه و به‌شکل غیرمستقیم، از طریق رسانه‌ها، همسالان و حضور در اجتماع، صورت می‌پذیرد. آموزش با ایجاد توانایی خواندن و نوشتن، آموزش تخصصی و فنی‌وحرفه‌ای و فناوریهای نوین، باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس، دستیابی به شغل، موفقیت در کار، رهایی از فقر و گرسنگی، ایجاد تساوی جنسیتی، قدرت اقتصادی، صلح، امنیت و... می‌گردد (برنامهٔ عمران ملل متحد[2]، ۲۰۱۶).

دسترسی به دیگر حقوق انسانی، ازجمله حقوق مدنی و سیاسی، نیازمند حداقلی از سواد و آگاهی است، بنابراین، تفسیر عمومی کمیتهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، نبود فرصتهای آموزشی کودکان را از موجبات نقض دیگر حقوق بشری می‌داند (کمیتهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل[3]، ۱۹۹۹: ۴). طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، آموزش افزون بر ایجاد فرصتهای شغلی، ابزاری برای توانمندکردن انسان و آموزش مهارتهای جدید است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸). جرم، تنها، یک عامل انسانی نیست، بلکه براساس دانش جامعه‌شناسی‌جنایی، نتیجهٔ کاستیهای موجود در فرایند جامعه‌پذیری و تحت‌تأثیر عوامل محیطی است (کی‌نیا، ۱۳۹۲). دیدگاههای دیگر جرم‌شناسی نیز به تأثیر آموزش، پایبندی به ارزشهای هنجاری، امکانات و محیط اجتماعی در وقوع جرم تاکید کرده‌اند.[4] چنین اندیشه‌ای، در دولت حداکثری رفاه نیز وجود دارد(طاهری، ۱۳۹۲)؛ «از دیدگاه این دولت، رفع کمبودهای اقتصادی و اجتماعی پیش‌زمینهٔ مبارزه با جرم است» (نجفی‌ابرندآبادی، ۱۳۹۲الف: ۷۱۹). حق بر آموزش، گرچه خود، تنها یکی از این حقوق اجتماعی است، اما باتوجه به تأثیری که در زندگانی بشر و برخورداری از دیگر حقوق بشری دارد، یکی از وظایف مهم دولت رفاه، تأمین آموزش و پرورش است، چنان‌که پیدایی حقوق نسل دوم برگرفته از عقاید سوسیالیستی و تمایز میان این دو نسل نیز از ناسازگاری

1. Cohen
2. United Nation Development Programme
3. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights
۴. نظریه‌های خودکنترلی، تقلید و معاشرت ترجیحی، نظریه‌های مبتنی بر آموزش‌اند. نظریه‌های خلأ هنجاری، خرده‌فرهنگ مجرمانه و تضاد بیانگر لزوم جامعه‌پذیری انسان و آموزشهای فرهنگی و هنجاری به اوست. نظریهٔ فشار و محیط اجتماعی به تأثیر محیط اجتماعی بر وقوع جرم پرداخته‌اند. نظریهٔ تأخر فرهنگی نیز بر آموزش برای ایجاد هماهنگی میان جنبهٔ معنوی و مادی فرهنگ تأکید می‌کند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۸ و آگ‌برن و نیمکوف، ۱۳۸۸).

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

ایدئولوژیک میان غرب و شـــرق به وجود آمده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰). از این‌رو، به‌خلاف دیدگاه حاکم بر نسل اول حقوق بشر، دولتها ملزم به تأمین نسل دوم حقوق بشر به‌منظور فراهم کردن و توزیع مناسب امکانات میان انسانها هستند.

۳. عامل شناختی

رفتار انسان همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی شکل نمی‌گیرد، بلکه باورها و ویژگیهای روحی وی نیز در برداشـــتهای او از وقایع بیرونی مؤثر است. از گذر این ویژگیها، تجربیات انسان، معنا، شکل و دوام یافته است (بندورا[1]، ۱۹۸۹) و انسان وقایع بیرونی را تفسیر می‌کند. «آدمی از رهگذر صافیهای ذهنی همچون باورها، تفکرات، انگیزه‌ها و کلیشـــه‌ها، حوادث بیرونـــی را فهم کرده و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد» (قماشی، ۱۳۹۴: ۲۶۸). درک و برداشت انسان از واقعیتهای بیرونی می‌تواند او را به ســـمت رفتار مجرمانه ســـوق دهد. درواقع، ارتکاب جرم، بر پایهٔ تصمیمی است که انسان با آگاهی از موقعیت اتخاذ می‌کند. «اصلاح اندیشهٔ آدمی، شرط پیشگیری از جرم است و این امر جز با آموزش کارآمد و بی‌طرفانه به‌دست نمی‌آید» (قماشی و جهانگیری، ۱۳۹۶: ۳۱۱).

یکـــی از اهداف حق بر آموزش، پرورش حس احترام به حقوق دیگران، فارغ از تفاوتهای موجود میان آنان اســـت که از گذر پرورش هوش اخلاقی به‌دســـت می‌آید و با مســـئولیت کیفری پیوند می‌خورد. هوش اخلاقی توانایی برخورداری از عقایدی پایدار برای تشخیص درست از نادرست است (بوربا، ۱۳۹۶)، که با ارزشهای همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف، به گذر از بحرانها، قدرت انتخاب، توانایی کنترل خشـــم، مدارا، احترام به حقوق دیگر افراد جامعه و ... کمک می‌کند (همان). این تواناییها، از طریق آموزش در انسان پرورش داده می‌شوند تا ابزاری برای تقویت اراده و افزایش قدرت انتخاب باشـــند. عامل شناختی یکی از اجزای اصلی مسئولیت کیفری است که در قالب درک و تمیز انسان، بر مسئولیت وی تأثیر می‌گذارد. حق بر آموزش، تضمین‌کنندهٔ مســـئولیت کیفری متوازن اســـت، چرا که با افزایش آگاهی به آنان می‌آموزد که دیگران نیز دارای حقوق انسانی‌اند.

یکی از اصول اساســـی حق بر آموزش، احترام به تفاوتهای ناشـــی از جنسیت، نژاد، ملیت، سن، مذهب و شـــرایط جســـمی و روحی اســـت[2] (برنامهٔ عمل ملی برای آموزش حقوق بشر، ۱۹۹۷)[3]. براســـاس مادهٔ ۴ اعلامیهٔ اصول مدارا[4] (۱۹۹۵)، آموزش حقوق مشترک و آزادیهای مردم، مهم‌ترین ابزار برای رواداری و مدارا است که احترام به حقوق دیگران را به انسانها می‌آموزد. این نیاز در جوامع

1. Bandura
2. See: UNDOC/A/52/469/Add. 1, Ibid, para 19. Available at https://www.ohchr.or/en/resources/educators/human-rights-education-training/3guidelines-national-plans-action-human-rights-education-1997
3. Guidelines for National Plans of Action for Human Rights Education
4. Declaration of Principles on Tolerance

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

دارای تنوع فرهنگی و زبانی و نژادی، بیشتر احساس می‌شود، چراکه بی‌توجهی به حقوق دیگران و بی‌احترامی به تفاوتهای موجود، پدیدآورندهٔ جرایم ناشی از نفرت است که ریشه در تعصبات انسانی دارد (موراکامی[1]، ۲۰۰۴). هنگامی که انسان با نبود آموزش و یا آموزشهای نادرست، خودخواهی، نابردباری، بی‌توجهی به حقوق دیگران و ... را آموخته، ممکن است درگیر جرایم ناشی از نفرت شود. درمقابل، افرادی که دیدگاه، مذهب، جنسیت و نژاد آنان مورد تحقیر قرار گرفته نیز ممکن است با احساس برگرفته از نفرت نسبت به افرادی که ظاهراً برتر از آنها هستند، دست به ارتکاب جرم بزنند.

◉ جلوه‌های تأثیر حق بر آموزش بر مسئولیت کیفری در حقوق ایران

نبود آموزش به‌ویژه آموزش حقوق بشر، نتایجی همچون نبود آگاهی از قانون، نقص شناختی و جامعه‌پذیری را به همراه دارد. باتوجه به تلازم حق و تکلیف، عدم تأمین این حق، توازن مسئولیت کیفری و شایستگی سرزنش‌پذیری و مجازات مرتکب را از بین می‌برد. گرچه در قانون اساسی ایران و برخی از قوانین عادی، حق برآموزش مورد پذیرش قرار گرفته است، اما، در قانون مجازات اسلامی، دفاعی با عنوان «دفاع نبود آموزش» وجود ندارد. لیکن، با توجه به اصول سه‌گانهٔ تحقق توازن حق و تکلیف، می‌توان از راهبردهایی که با عنوان نبود آگاهی، وضع خاص متهم یا اوضاع و احوال جرم، مورد پذیرش قرار گرفته است، برای از بین بردن مسئولیت کیفری یا تخفیف مجازات بهره برد. راهبردهای توافقی با هدف قضازدایی و کیفرزدایی نیز، راهکاری مناسب‌اند. این راهبردها می‌توانند جلوه‌هایی از مسئولیت کیفری متوازن به‌شمار آیند، لیکن، به‌صورت کاملاً ناخواسته و بدون توجه و با هدف فردی‌کردن مجازاتها وارد گفتمان حقوق کیفری ایران شده‌اند.

۱. عوامل مانع مسئولیت کیفری

ناآگاهی به قانون، بیانگر قصور دولت در گسترش قانون و آگاه کردن مردم است. براین‌اساس، نمی‌توان ادعای ناآگاهی به قانون را به‌طورکامل نادیده انگاشت (سیمونز، ۱۹۹۰: ۴۴۷-۵۱۷)، به‌ویژه اینکه امروزه، اصل کیفی بودن قوانین، دولتها را ملزم به تصویب و انتشار قوانین صریح و بی‌ابهام کرده است تا افراد با دسترسی به آن نسبت به حقوق و تکالیف قانونی خود آگاهی پیدا کنند. قوانین داخلی ایران، دولت را ملزم به آگاه ساختن مردم نسبت به حقوق و تکالیف‌شان کرده است[2]، اما، لازم‌الاجرا دانستن قانون با انتشار در روزنامهٔ رسمی که بسیاری افراد، از وجود آن بی‌اطلاع اند، احاله به قوانین دیگر، تورم کیفری، نبود تعریف دقیق جرایم، مانع آگاهی به وجود قانون و تفسیر درست آن می‌شود،

1. Murakami

۲. مادهٔ ۲۲ منشور حقوق شهروندی، بند ۱۸ سیاستهای کلی نظام(۱۳۸۹)، مادهٔ ۸ حقوق شهروندی در نظام اداری (۱۳۹۵)، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸) و قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) اطلاع از تصمیمات اداری و اطلاعات را حق مردم و دستگاههای اداری را موظف به آموزش همگانی برای آشنایی مردم با حقوق خود دانسته‌اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

ازاین‌رو مجازات چنین اشخاصی، مغایر با اصل کیفی بودن قانون است.

نبود آموزش، چه در مدارس و چه در رسانه‌ها، آگاهی از قانون و دسترسی به آن را ناممکن می‌کند. از نظر نگارنده، ناآگاهی ناشی از نبود آموزشهای رسانه‌ای، مدرسه‌ای و اجتماعی، جهل مبتنی بر قصور به‌شمار می‌رود که می‌بایست مورد توجه مرجع قضایی قرار گیرد. در قانون مجازات اسلامی، جهل حکمی یکی از عوامل مانع مسئولیت کیفری به‌شمار رفته و اطلاق فرض آگاهی از قانون در مواردی همچون جهل قصوری، ناآگاهی به حرمت شرعی جرایم مشمول حد و عدم درک حرمت شرعی جرایم حدی و قصاص توسط کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال تقیید شده است.[۱] آگاهی به قانون، از نظر ماهیت همچون اصول عملیه است (شمس، ۱۳۹۹) که برای رفع شک و خروج از سردرگمی به‌کار برده می‌شود (زراعت، ۱۳۹۱)؛ بنابراین، «در تعارض اصول عملیه با اصل برائت، باتوجه به حاکمیت اصل برائت و لزوم تفسیر شک به نفع متهم، قاضی مکلف به بررسی درستی ادعای مدعی است» (آشوری، ۱۳۸۲: ۲۰۵ و ۲۱۹).

اصول شرعی و بین المللی و حفظ شأن و کرامت انسانی، مبنای پذیرش جهل قصوری به‌عنوان دفاع مانع مسئولیت کیفری به‌شمار می‌رود. مجازات شخصی که به‌دلیل بیسوادی، عدم آگاهی، عدم جامعه‌پذیری و ... از حقوق و تکالیف خود آگاهی ندارد، با هیچ‌یک از اهداف مجازاتها سازگار نیست. نبود قصد ارتکاب جرم و فقدان ارادهٔ منتهی به گزینش رفتار درست از نادرست، با دیدگاههای سزاگرایانه مجازات و فقدان سودمندی حاصل از مجازات، با دیدگاه فایده‌گرایانه ناسازگار است.[۲] افزون بر اینکه مجازات چنین شخصی، مخالف اصل برائت، کرامت انسانی و اصل قانونی‌بودن مجازات است. توجیه مجازات براساس دیدگاههای دوگانهٔ بالا، نیازمند آگاه کردن افراد از حقوق و تکالیف قانونی است. زمانی که این وظیفه را دولت انجام نداده، کاربست مجازات مغایر اصول انسانی و به‌معنای نادیده انگاشتن ارکان مسئولیت و پیوند میان حق و تکلیف و مسئولیت کیفری متوازن است.

۲. تخفیف مجازات

وظیفهٔ قوهٔ قضائیه در پیشگیری از جرم نیز با رویکرد آموزشی، از یک‌سو، با کاربست مجازات نسبت به بزهکار، که زمینهٔ آگاهسازی و حفظ ارزشهای اجتماعی را فراهم می‌کند (برث‌ناچ[۳]، ۱۳۹۳)

۱. مادهٔ ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی: «جهل به حکم رافع مسئولیت کیفری نیست؛ مگر این که تحصیل علم عادتاً ممکن نبوده یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود». مادهٔ ۲۱۷: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که افزون بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد». مادهٔ ۹۱: «در جرایم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد باتوجه به سن آنها به مجازاتهای پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند».

۲. در زمینهٔ اهداف مجازاتها، ر.ک.: بروکس، تام. (۱۳۹۵). *مجازات*، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چاپ اول. تهران: میزان و یزدیان‌جعفری، جعفر. (۱۳۹۱). *چرایی و چگونگی مجازات*، چاپ اول. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

3. Breathnach

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

و از سوی دیگر با همکاری صداوسیما، آموزش و پرورش و قوهٔ مقننه برای تهیهٔ برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، تدوین کتب درسی و تدوین لوایح قضایی برای پیشگیری از جرم محقق می‌شود.[۱] نظریه‌های مبتنی بر پیشگیری رشدمدار و جامعه‌مدار، بیانگر نقش آموزش در پیشگیری از جرم‌اند. آنچه در علت‌شناسی جنایی، در چارچوب عوامل فردی و اجتماعی وقوع جرم مطرح می‌شود، نه علت تامهٔ وقوع جرم، بلکه، شرط وقوع جرم است. بدین‌سان، نبود آموزش بایسته، شرط وقوع جرم به‌شمار می‌رود، چراکه بدون از بین بردن اراده، بر درک و آگاهی فرد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند انسان را به‌سوی جرم هدایت کند، ولی لزوماً منجر به ارتکاب جرم نمی‌شود.

نبود این حق و پیامدهای آن می‌تواند براساس مادهٔ ۳۸ قانون مجازات اسلامی، از عوامل تخفیف مجازات به‌شمار آید. تخفیف، در قانون مجازات اسلامی به دوگونهٔ تخفیف و جایگزینی مجازات نمود پیدا می‌کند. قضات دادگاهها، با بهره‌گیری از این عوامل، می‌توانند مجازات را با روحیات، سوابق، ویژگیها، انگیزه بزهکار و اوضاع و احوال جرم، متناسب و مجازات را تخفیف دهند یا جایگزین کنند. مواد ۱۸ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی، بهره‌گیری از این عوامل را در جرایم تعزیری تجویز کرده، اما در هیچ‌کدام از این مواد اشارهٔ آشکاری به نقش آموزش در تخفیف مجازات نکرده است. بندهای پ و ث مادهٔ ۳۸ که اوضاع و احوال مؤثر در جرم و وضع خاص متهم را در شمار عوامل مخففه آورده‌اند، می‌توانند در استناد به دفاع کاستی شناختی یا نقص جامعه‌پذیری ناشی از فقدان آموزش، مورد بهره‌برداری قرارگیرند. گرچه قانونگذار در بیان مصادیق اوضاع و احوال خاص جرم یا وضع خاص متهم تنها به‌ذکر مواردی چند بسنده کرده است، اما با توجه به استفاده از واژهٔ «از قبیل» تمثیلی بودن موارد یادشده مشخص می‌شود.

با بهره‌گیری از مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی[۲]، وضعیت جسمی، روحی، اوضاع خانوادگی، احساسات، باورها و ارزشهای متهم را نیز می‌توان از مصادیق وضع خاص متهم به‌شمار آورد. فقدان جامعه‌پذیری و ناآشنایی با ارزشهای اجتماعی، ناآشنایی با حقوق دیگر انسانها و تعصبات گوناگون که ناشی از تربیت نادرست یا تبلیغهای گوناگون از سوی دولت است، انسان را در برخورد مناسب

۱. فصل هشتم برنامهٔ پنجم توسعه، قوه قضائیه را ملزم به تهیهٔ لوایح قضایی با هدف کاهش جرم کرده است. در این راستا، براساس بند ۱۶ سیاستهای کلی نظام در امور قضایی (۱۳۸۱) و براساس مادهٔ ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه، گسترش فرهنگ قانون‌مداری و فرهنگ حقوقی و قضایی با آموزش همگانی و حقوق شهروندی از راه صدا و سیما، پیش‌بینی مواد درسی برای آموزشهای مذکور، آموزش زندانیان و معرفی زندانیان نیازمند به‌منظور اشتغال نیز در دستور کار قرار دارد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، نهادهای دولتی متعددی را در زمینهٔ حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان و حق بر آموزش مسئول دانسته است. در این راستا، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، وزارتخانه‌های کشور، بهداشت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما وظایفی همچون شناسایی و حمایت از کودکان محروم از تحصیل، آموزش و معرفی به نهادهای مربوطه برعهده دارند.

۲. «تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد و قصاص و دیه نیست و به‌موجب قانون برای ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری موارد ذیل را مورد توجه قرار می‌دهد: الف) انگیزه مرتکب و وضعیت جسمی و روانی در حین ارتکاب جرم، ب) شیوه ارتکاب جرم، ج) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، د) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب»

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

با دیگران دچار مشکل می‌کند و باورهایی متعصبانه در انسان ایجاد می‌کند. همچنین فقر، نداشتن شـــغل و ارزشـــهای اجتماعی نیز ممکن است در گرایشـــهای مجرمانه مؤثر باشند. چنان‌که اسناد بین‌المللی و به‌ویژه برنامهٔ عمل ملی برای آموزش حقوق بشر (۱۹۹۷)، گزارش دبیر کل سازمان ملل[1] و رهنمودهای ریاض برای پیشـــگیری از بزهکاری نوجوانان[2] (۱۹۹۰)، آموزش از راه جامعه‌پذیری، افزایش آگاهی، آشنایی با قوانین و حقوق دیگر افراد جامعه، گسترش حقوق بشر و یاددهی تخصص و تواناییهـــای فنی‌وحرفه‌ای، جلوگیری از فقر و ... را در پیشـــگیری از بزهکاری مؤثر می‌دانند. مادهٔ ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، فقر شـــدید را یکـــی از عوامل خطر برای کودکان و نوجوانان به‌شـــمار آورده است که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد. رایگان بودن حق بر آموزش نیز، راهکاری مؤثر در برخورداری تمام افراد جامعه از حق بر آموزش است.

بنابرایـــن، باتوجه به بندهای پ و ث مادهٔ ۳۸ قانون مجازات اســـلامی، نبود حق بر آموزش که پیامدهایی مانند فقر، نبود خانواده مناســـب، نداشـــتن شغل مناســـب و عدم برخورداری از حقوقی همچون بهداشت، صلح، کاستی شناختی و ... را به‌همراه دارد، به‌عنوان اوضاع و احوال مؤثر در ارتکاب جرم یا وضع خاص متهم به‌شمار می‌آید. اگر این شرایط، ناشی از اقدامات خود مرتکب یا تقصیر وی نبوده و به‌دلیل سیاستهای نادرست دولت در بهره‌مند کردن اشخاص از حقوق انسانی باشد، محکوم کردن مرتکب، به مجازات، بدون توجه به شرایط وی، نه تنها تناسب میان حقوق و تکالیف را از بین می‌برد بلکه از توجیهات عدالت و سودمندی مجازات نیز بی‌بهره خواهد بود. از نظر نگارنده، تأسیس پروندهٔ شـــخصیت که راهبردی برای شناخت وضعیت متهم و ســـوابق روحی، جسمی، اجتماعی و خانوادگی متهم اســـت، می‌تواند در تشخیص بودن یا نبودن حق بر آموزش و چگونگی برخورداری متهم از این حق، یاریگر مقام قضایی در تعیین پیوند میان آموزش و مســـئولیت کیفری و تطبیق مجازات با میزان مسئولیت متهم باشد.

۳. راهبردهای توافقی

مجازات، همواره ابزاری اقتدارگرایانه برای پاســـخگویی به رفتار مجرمانه بوده اســـت، اما امروزه باتوجه به شناســـایی حقوق ذاتی بشر و کرامت انسانی، یک سویه بودن پاسخ‌دهی به جرم، تا حدی جای خود را به سیستم توافقی داده است. توافقی شدن حقوق کیفری، راهکاری برای به‌وجود آمدن توافق میان بزهکار و مرجع قضایی در تعیین مجازات جرم ارتکابی (نیازپور، ۱۳۹۲) و روشی مناسب برای حفظ کرامت انســـانی بزهکار، هویت‌بخشـــی به وی، فردی‌کردن مجازات و مقبولیت مجازات از دیدگاه اوست که می‌تواند در پیشگیری از جرم، تأثیری بسزا داشته باشد (همان). مجازات شدن

1. See: UNDOC/A/52/469/Add.1, 1997, paras 10-11. Available at https://www.ohchr.or/en/resources/educators/human-rights-education-training/3guidelines-national-plans-action-human-rights-education-1997
2. United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, (The Riyadh Guidelines)

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

حـــق بزهکار اســـت، بدین معنا که بزهکار، حق بازســـازی زندگـــی خود را از گذر مجـــازات دارد (هوگن، ۲۰۰۷). بهره‌گیری از راهکارهای توافقی، افزون بر اینکه رفتار بزهکار را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، زمینهٔ اصلاح وی را نیز فراهم می‌کند. ازسویی‌هم، هنگامی که گرایش به ارتکاب جرم، ناشی از قصور دولت در تأمین حق بر آموزش باشد، دولت موظف به اقدامات قانونی و قضایی برای اصلاح بزهکاران اســـت. درواقع، چون بسیاری از بزهکاران، قربانی جامعه هستند (غلامی، ۱۳۹۷)، جامعه با پذیرش تقصیر خود، مسئولیت بازپروری بزهکار را به‌عهده می‌گیرد.

افزون بر عوامل مانع مسئولیت کیفری، تخفیف و جایگزینی مجازاتها، بهره‌گیری از راهبردهای توافقی همچون قرار بایگانی پرونده و تعلیق تعقیب از ســـوی دادسرا، در جریان رسیدگی مقدماتی، راهکاری شایســـته در پاســـخگویی اســـت. صدور این قرارها بر مبنای دیدگاه سودمندی مجازات و در راســـتای اصل موقعیت داشـــتن تعقیب به‌عهده دادستان اســـت (خالقی، ۱۳۹۹). براساس این اصل، تعقیب منوط به ســـودمندی است و چنان‌که سودمند نباشد، می‌توان از آن چشمپوشی کرد (آشوری، ۱۳۹۵). توجه به اوضاع و احوال بزهکار و اوضاع منتهی به وقوع جرم، پیش‌شرط صدور این قرارهاســـت. قرار بایگانی پرونده، منتهی به بایگانی و مختومه شدن پرونده می‌شود، ولی قرار تعلیق تعقیب، پس از اخذ موافقت متهم با الزاماتی همچون شـــرکت در کلاسهای آموزشی، حرفه‌آموزی و رعایت دســـتورات دادگاه، منتهی به تعلیق قطعی می‌شود.[1] این راهکار، افزون بر اینکه از پیامدهای نامطلوب مجازات جلوگیری می‌کند، در آموزش بزهکار، جامعه‌پذیری و اصلاح وی نیز کارساز است.

بهره‌گیری از راهبرد سازش یا میانجیگری، در مرحلهٔ مقدماتی نیز ابزاری برای آگاه کردن متهم به پیامدهای جرم و مشـــکلات بزه‌دیده، از گذر مواجهه و گفتگو میان آنان و با هدف اصلاح بزهکار و جبران خسارت وارده است. اقدامات تأمینی درباره کودکان با معرفی به مشاوره، مؤسسه آموزشی و فرهنگی، بهره‌گیری از مجازاتهای تکمیلی همچون شـــرکت در کلاســـهای آموزشـــی و یادگیری شغل و حرفه و فراهم کردن شرایط آن، خدمات عمومی رایگان، تعویق و تعلیق مجازات، با الزام به حرفه‌آموزی، شـــرکت در دوره‌های تحصیلی و آموزشی و تربیتی و ... و نظام نیمه‌آزادی،[2] در مرحلهٔ رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم در شمار راهبردهای سودمند برای دستیابی به توازن حق و تکلیف است. این راهبردها با توجه به نوع جرم، شخصیت بزهکار و اوضاع و احوال وقوع جرم و بر پایه اندیشهٔ ســـودمندی اعمال می‌شـــوند. بهره‌گیری از این راهبردها، افزون بر الزام بزهکار به انجام فعالیتهای آموزشـــی، درمان و ... او را به جبران خسارت شاکی یا اخذ رضایت وا می‌دارد و به این‌ترتیب زمینه آگاهسازی بزهکار و بازپروی وی را نیز فراهم می‌کند.

۱. ر.ک.: مواد ۸۰-۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).
۲. ر.ک.: مواد ۸۸، ۲۳، ۸۴، ۴۰، ۴۶، ۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

■ نتیجه‌گیری ■

حق بر آموزش، به‌عنوان حقی از نسل دوم حقوق بشر، برای زندگی بهتر در اجتماع وضع شده و تحقق‌پذیری آن، با برنامه‌ریزی و وضع قانون به‌منظور حمایت و جرم‌انگاری رفتارهای ناقض آن از سوی دولت، صورت می‌گیرد. قوانین باید باتوجه به نیازهای جامعه و تغییرات آن، دچار دگرگونی شوند تا بتوانند نیازهای اجتماعی را تأمین کنند (صانعی، ۱۳۸۹). لزوم توجه به نیازهای جامعه در وضع قوانین، بایستهٔ توجه دولتها به حق بر آموزش به‌منزلهٔ یکی از ضرورتهای جامعهٔ امروزی است. در حقوق کیفری، وجود درک و آگاهی دربارهٔ فعل مجرمانه، شرط تحقق‌پذیری مسئولیت است و نبود آن، شایستگی سرزنش‌پذیری و مجازات را از بین می‌برد، از این‌رو، مسئولیت اشخاص، وابسته به آگاهی از حقوق و تکالیف خود است که این امر، با تحقق‌پذیری حق بر آموزش امکان‌پذیر است؛ با این‌حال، قانونگذار ایران، دفاعی با عنوان نقض حق بر آموزش مطرح نکرده و فقدان این حق، صرفاً با احراز جهل قصوری نسبت به قانون یا با استناد به مادهٔ ۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به عنوان دفاع مطرح شود. لیکن از آنجا که هیچ صراحتی در این‌باره وجود ندارد، تصمیمات قضات، در پذیرش یا عدم‌پذیرش دفاع فقدان آموزش به‌عنوان عامل مانع مسئولیت یا تخفیف مجازات، سلیقه‌ای و وابسته به ویژگیهای قاضی، تحصیلات و تجربهٔ وی خواهد بود.

به‌دلیل میان - رشته‌ای بودن حق بر آموزش، بهره‌گیری از یافته‌های دانش جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم مرتبط ضروری است و در هنگام وضع قوانین کیفری با در نظر گرفتن نیازهای اجتماع، می‌بایست از تجارب متخصصان این علوم نیز بهره‌گیری شود. حقوق کیفری، افزون بر بازگردان حس مسئولیت به بزهکار، باید تضمین‌کنندهٔ حقوق بشر باشد و شخصیت بزهکار را در حکم یک انسان مورد احترام قرار دهد (پرادل[1]، ۱۳۹۶). این امر مستلزم بهره‌گیری از پروندهٔ شخصیت است. پیش‌بینی نهادی به نام پروندهٔ شخصیت، راهکاری مؤثر در شناسایی ویژگیهای فردی و اجتماعی بزهکار است تا قاضی در هنگام صدور حکم، باتوجه به این پرونده، تشخیص دهد که بزهکار تا چه میزان تحت‌تأثیر نیستی یا کاستی آموزش بوده و این فقدان تا چه اندازه بر ارتکاب جرم تأثیرگذار بوده است تا بتواند اقدام به تعیین مجازات و اقدامات تأمینی متناسب با شرایط بزهکار کند.

جرم‌انگاری بدون توجه به اهداف مجازات، هیچ تأثیر مثبتی برای جامعه ندارد. اهداف سزاگرایانه و سودمندانه، دو هدف اساسی مجازات هستند که در کنار یکدیگر، در جرم‌انگاری کاربرد دارند. مجازات هم به گذشته و جرمی که سزاوار پاسخ است می‌نگرد و هم به آینده و سودی که باید به‌دست آید. نظامهای کیفری ترکیبی از دو را پذیرفته‌اند و هیچ نظام کیفری در عمل به تنهایی با یکی از دیدگاهها سازگار نیست (رستمی، ۱۳۹۷). لزوم احراز مسئولیت کیفری و تقصیر، نیازمند بهره‌گیری از دیدگاه سزاگرایانه

1. Pradel

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

و اصلاح بزهکار و پیشـــگیری از تکرار جرم و حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، نیازمند بهره‌گیری از دیدگاه فایده‌گرایانه اســـت. قانونگذار کیفری ایران نیز، افزون بر احراز تقصیر بزهکار، می‌بایست با بهره‌گیری از راهکارهایی که در بزهکار تأثیرگذار بوده و در کاهش جرم کارســـاز اســـت، به جرم‌انگاری و کیفرگذاری بپردازد. بنابراین، بایســـته است که با توجه به اهمیت این حق و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی، قانونگذار، دفاعی خاص با عنوان نیســـتی یا کاستی آموزش را در راستای توازن حق و تکلیف، پیش‌بینی و با توجه به میزان تأثیر ایـــن عـامـــل در وقـوع جـرم، آن را به‌عـنوان عامـــل مانـع مسئولیت کـیفری، عامل تخفیف یا جایگزینی مجازات به‌شمار آورد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

منابع

REFERENCES

آشوری، محمد. (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری، جلد دوم*، چاپ سوم. تهران: سمت.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری، جلد اول*، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم. تهران: سمت.

آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ و نیمکوف، مایر. (۱۳۸۸)، *زمینهٔ جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ امیرحسین آریان‌پور، چاپ دوم. تهران: گستره. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۵۸).

برلین، آیزیا. (۱۳۸۰). *چهار مقاله دربارهٔ آزادی*، ترجمهٔ محمدعلی موحد، چاپ دوم. تهران: خوارزمی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۶۹).

بریث‌ناچ، سیموس. (۱۳۹۳). *جرم و مجازات از نظرگاه دورکیم*، ترجمهٔ محمدجعفر ساعد، چاپ دوم. تهران: خرسندی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲).

بوربا، میکله. (۱۳۹۶). *پرورش هوش اخلاقی*، ترجمهٔ فیروزه کاوسی، چاپ چهارم. تهران: رشد. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۱).

پرادل، ژان. (۱۳۹۶). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی‌ابرندآبادی، چاپ یازدهم. تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۹).

خالقی، ابوالفتح و درودی، علی. (۱۳۹۴). فرض قانونی علم و اطلاع نسبت به امور حکمی (قانون). *فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۲* (۴۶)، ۶۱- ۸۴.

خالقی، علی. (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری، جلد اول*، چاپ سی‌وپنجم. تهران: پژوهشکدهٔ حقوقی شهر دانش.

رستمی، هادی. (۱۳۹۷). تقابل وظیفه‌گرایی و فایده‌گرایی در توجیه کیفر. در: نجفی علی‌حسین‌ابرندآبادی (زیرنظر)، *دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب سوم*، (۸۶۳-۸۶۶)، چاپ اول. تهران: میزان.

زراعت، عباس. (۱۳۹۱). *مبانی استنباط حقوق*، چاپ اول. تهران: میزان.

ساقیان، محمدمهدی و موسوی، سیدپوریا. (۱۳۹۶)، اصل قانونی‌بودن آیین دادرسی کیفری: مفاهیم، مبانی و قلمرو. در نعمت‌اله الفت (به کوشش)، *حج اندیشه (یادنامهٔ شهید دکتر ناصر قربان‌نیا)*، (۶۲۹-۶۵۲)، چاپ اول. قم: دانشگاه مفید.

سلطانی، مهدی. (۱۳۹۶)، *حقوق جزای عمومی، جلد دوم (مجرم و مسئولیت کیفری)*. چاپ سوم. تهران: دادگستر.

شمس، عبدالله. (۱۳۹۹). *آیین دادرسی مدنی: دورهٔ پیشرفته، جلد سوم*، چاپ اول. تهران: دراک.

صانعی، پرویز. (۱۳۸۹). *حقوق و اجتماع*، چاپ دوم. تهران: نشر طرح نو.

طاهری، سمانه. (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*، چاپ اول. تهران: میزان.

عضدانلو، حمید. (۱۳۹۵). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، چاپ پنجم. تهران: نی.

غلامی، حسین. (۱۳۹۷). *عدالت ترمیمی*، چاپ هفتم. تهران: سمت.

فرج‌اللهی، رضا. (۱۳۹۸). *جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری*، چاپ دوم. تهران: میزان.

قاری سیدفاطمی، محمد. (۱۳۹۰). *حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول*، چاپ سوم. تهران: پژوهشکدهٔ حقوقی شهر دانش.

قماشی، سعید. (۱۳۹۴). از جرم‌شناسی علت‌شناختی تا جرم‌شناسی شناختی. *فصلنامهٔ تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۸* (۷۰)، ۳۰۱-۳۲۵.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

قماشی، سعید و جهانگیری، الناز. (۱۳۹۶). پیشگیری شناختی. *فصلنامهٔ تحقیقات حقوقی*، ۲۰ (۷۹)، ۳۱۰-۳۲۵.

کامکار، زینب. (۱۳۹۱). *جرم‌انگاری نقض حق بر آموزش در تعامل حقوق بشر و حقوق کیفری*. پایان‌نامه برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

کریون، متیو. (۱۳۸۷). *چشم‌اندازی به توسعهٔ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، ترجمهٔ محمد حبیبی‌مجنده، چاپ اول. قم: دانشگاه مفید. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۸).

کوهن، بروس. (۱۳۹۶). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، چاپ چهل‌ودوم. تهران: توتیا. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۰).

کی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۲). *مبانی جرم‌شناسی، جلد اول*، چاپ چهاردهم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۶۴). وجوب تعلم احکام شرعیه و قوانین. *نشریهٔ حق*، ۲، ۷۱-۸۱.

نجفی‌ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۹۲الف). کیفرشناسی‌نو- جرم‌شناسی‌نو؛ درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار. در: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (زیرنظر)، *تازه‌های علوم جنایی، جلد اول*، (۷۱۷-۷۵۰)، چاپ دوم. تهران: میزان.

ـــــــــــــــــ . (۱۳۹۲ب). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری، فرصتها و چالش‌ها. در: ادارهٔ کل آموزش و پژوهش در سازمان قضایی نیروهای مسلح، *بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری*، (۱۱-۲۱)، چاپ اول. تهران: میزان.

ـــــــــــــــــ . (۱۳۹۷). جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان. در: تهمورث بشیریه (به کوشش)، *دانشنامهٔ عدالت کیفری کودکان و نوجوانان؛ دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی*، (۱۷-۲۰)، چاپ اول. تهران: نگاه معاصر.

نوربها، رضا. (۱۳۹۷). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم. تهران: میزان.

نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۱). حق برخورداری از آموزش و پرورش: از حقوق بشر تا پیشگیری از بزهکاری. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۲۲، ۸۷-۱۰۶.

ـــــــــــــــــ . (۱۳۹۲). *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم. تهران: میزان.

ویلیامز، فرانکلین و مک‌شین، مریلین. (۱۳۹۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ هفتم. تهران: میزان. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۸).

Bandura, A. (1989). Social cognitive theory of personality. In R. Vasta (Ed.), *Annals of child development. Six theories of child development* (Vol. 6. pp.1-60). Greenwich, CT: JAI Press.

Hogan, G. (2007). *Balance in the criminal law review group, Final Report.* Dublin. Available at: https://www.justice.ie/en/JELR/BalanceRpt.pdf/Files/BalanceRpt.pdf

Husak, D. (2010). Mistake of law and culpability. *Criminal Law and Philosophy, 4*(2), 135-159.

Meese, E. III, & Larkin, P. J. Jr. (2012). Reconsidering the mistake of law defense. *Journal of Criminal Law and Criminology, 102*(3), 725-784.

Murakami, T. (2004). Hate crimes. *The Georgetown Journal of Gender and the Law, 5*(1), 63-76.

Narveson, J. (2001). *The libertarian idea.* Broadview Press.

Sharifan, N., & Ranjbaran, G. (2012). Study quality principle instead of principle legality of crimes. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences, 6*(6), 358-360.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]

Simons, K. (1990). Mistake and impossibility, law and fact and culpability: A speculative essay. *Journal of Criminal Law and Criminology, 81*(3), 447-517.

_____. (2009). Mistake of fact or mistake of criminal law? Explaining and defending the distinction. *Criminal Law and Philosophy, 3*(3), 213-239.

United Nations. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. Available at: https://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/

United Nations Development Programme. (2016). *Human development report 2016*: *Human development for everyone.* New York, USA.

United Nations Human Rights Office of the High Commissioner. (1997). *Report of the Secretary-General, Addendum: Guidelines for national plans of action for human rights education*, 20 October 1997, UN Doc. A/52/469/Add.1. Available at: https://www.ohchr.or/en/resources/educators/human-rights-education-training/3guidelines-national-plans-action-human-rights-education-1997

UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights. (1999). *CESCR General Comment No. 11: Plans of action for primary education (Art. 14)*. Available at: https://www.ohchr.org/en/resources educators/human - rights - education - training/c - general - comment - no -11- plans -action - primary - education-article-14-1999

UN Educational, Scientific and Cultural Organisation (UNESCO). (1995). *Declaration of Principles on Tolerance*, 16 November 1995. Available at: https://www.oas.org/dil/1995%20Declaration%20of%20Principles%20on%20Tolerance%20UNESCO.pdf

UN General Assembly Session. (1990). Annex: United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines). In: *Resolutions and decisions adopted by the General Assembly during its 45th session*, Volume 1, 18 September-21 December 1990. - A/45/49. -1991.- p. 200-204.-(GAOR, 45th sess., Suppl. no. 49).

World Bank. (2018). *World development report 2018: Learning to realize education's promise*. Washington, DC: The World Bank.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.3.5]